

نویسنده: جیورج بیبی (George Beebe).
منبع و تاریخ نشر: ریسپونسیبل ستیت گرفت «2025-01-13».
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .



**ترامپ ممکن است روسیه و اوکراین
را به میز مذاکره بکشاند بعد چی؟**

*Trump may get Russia and Ukraine to the
table. Then what?*

**دولتمردی آمریکا از زمان جنگ سرد تا حد زیادی خفته
بوده است. کاخ سفید جدید باید برای احیای آن جدی باشد.**

*American statesmanship has been largely dormant since the Cold
War. The new White House must be serious about reviving it.*

واکنش ناپسند روسیه به مفاد احتمالی طرح حل و فصل **ترامپ** که در رسانه های غربی منتشر شد، نشان می دهد که مسیر صلح در اوکراین چقدر دشوار خواهد بود. همچنین یکی از خطرات رویکرد دیپلماسی که در واشنگتن بسیار رایج شده است را برجسته می کند: پیشنهاد شرایط حل و فصل قبل از مذاکرات به جای استفاده از بحث های محتاطانه با دشمنان و متحدان برای سنجش آنچه ممکن است.

برای دستیابی به توافقی که اوکراین از آن استقبال خواهد کرد، روسیه به آن احترام خواهد گذاشت و اروپا از آن حمایت خواهد کرد، **ترامپ** باید سنت دولتمردی آمریکایی - ایجاد توازن بین قدرت و منافع بین رقبای توانا - را که از زمان پایان جنگ سرد و ایالات متحده تا حد زیادی غیرفعال بوده است، احیا کند. سیاست خارجی تمرکز خود را به سمت دموکراتیک کردن سایر کشورها و مقابله با تروریسم تغییر داد.

طیف وسیعی از موضوعات مستلزم مذاکره دقیق است، اما سه اصل کلید موفقیت او خواهد بود:

منافع آمریکا را در اولویت قرار دهید دولت **بایدن**، از آغاز تهاجم، اصرار داشت که این به اوکراین بستگی دارد که تصمیم بگیرد آیا و چه زمانی به دنبال پایان دادن به جنگ باشد. این کشور توصیه های تاکتیکی ارائه کرده است، اما در مورد تعیین استراتژی به کیف موکول شده است. ثابت شده است که این یک دستور العمل برای درگیری پایان ناپذیر است که اوکراین را ویران می کند و کیف را به شکلی انحرافی تشویق می کند تا ایالات متحده را مستقیماً به جنگ بکشانند.

ترامپ باید آمریکا را به صندلی راننده بازگرداند و بر منافع ملی اصلی ایالات متحده در مذاکره برای حل و فصل تمرکز کند. مهمترین آنها برقراری توازن قوا با ثبات در اروپا است که به جای تحریک تجاوز روسیه، از تهاجم روسیه جلوگیری می کند و در عین حال ایالات متحده را قادر می سازد تا توجه و منابع را بر تجدید در داخل و چالش بزرگ تر، **چین**، در خارج متمرکز کند. اوکراین نمی تواند در مورد توازن منطقه ای مذاکره کند. تنها ایالات متحده این قدرت را دارد که ترکیبی از اقدامات نظامی و پادمان های دیپلماتیک در سطح قاره را که مورد نیاز خواهد بود، سازماندهی کند.

اصرار بر اینکه منافع آمریکا به عنوان ستاره شمالی ما در مذاکرات عمل می کند به این معنا نیست که **ترامپ** باید منافع اوکراین را در قطع توافق با مسکو نادیده بگیرد. بدون مشارکت اوکراین، هیچ توافقی پایدار یا مؤثر نخواهد بود و اطمینان از اینکه اوکراین می تواند به عنوان یک کشور امن و مستقل پیشرفت کند، هدف مهم آمریکاست. اما برخی فشارهای عمومی بر زلنسکی می تواند به او کمک کند تا با مقصر دانستن **ترامپ** برای برخی سازش های دردناک اما ضروری، با مخالفان داخلی مقابله کند. اگرچه نظرسنجی ها نشان می دهد که اکثریت اوکراینی ها طرفدار یک راه حل سریع هستند، گروهی از ملی گرایان تندرو همچنان با هرگونه مذاکره مخالف هستند.

مشکل را گسترش دهید. بخشی از دلیلی که **بایدن** به کیف موکول کرد، این باور مشترک در واشنگتن بود که جنگ یک موضوع دوجانبه بین روسیه و اوکراین است و کلید هر راه حل صلح به حداکثر رساندن اهرم اوکراین در میدان نبرد است. این فرض اساساً ناقص بود. این کشور درک نکرد که مزایای عددی عظیم روسیه در جمعیت و تولید نظامی به این معنی است که ارتش اوکراین به مرور زمان در یک جنگ فرسایشی، حتی با حمایت قوی غرب، ضعیف می‌شود. و نتوانست تشخیص دهد که ایالات متحده مدت‌هاست که می‌تواند از موضع قدرت مذاکره کند، اگر جنگ را از دریچه وسیع‌تری ببیند.

برای روسیه، جنگ صحنه کلیدی در درگیری ژئوپلیتیکی بزرگتر با ایالات متحده است. هدف اصلی آن جلوگیری از عضویت اوکراین در **ناتو** و همچنین جلوگیری از حضور ایالات متحده در اوکراین است که امنیت روسیه را تهدید می‌کند. اما حتی تصرف کل اوکراین نیز مشکلات امنیتی بزرگتر روسیه با **ناتو** را حل نخواهد کرد. کرملین همچنان باید با ائتلاف 32 عضوی **ناتو** که توان نظامی و اقتصادی آن بسیار بیشتر از روسیه است، مبارزه کند. به ویژه، روسیه به زودی برای اولین بار از دهه 1980 با موشک‌های میان برد ایالات متحده در آلمان روبرو خواهد شد که هیچ اقدام متقابل موثری برای آن ندارد. این مسائل امنیتی بزرگ‌تر، اهرمی برای پایان دادن به جنگ در اختیار ایالات متحده قرار می‌دهد و در عین حال از منافع اصلی غرب و اوکراین محافظت می‌کند - از جمله مسیر امن برای عضویت اوکراین در اتحادیه اروپا.

کارت **چین** را بازی کنید. دولت **بایدن** با اذعان به اینکه جنگ وابستگی روسیه به چین را عمیق‌تر کرده است، چینی‌ها را تحت فشار قرار داد تا پوتین را برای پایان دادن به تهاجم تحت فشار قرار دهند و در صورت امتناع پکن، چشم‌انداز تحریم‌های جدید را مختل کند. اما دوگانگی پکن در قبال جنگ هرگز به انتخاب طرف‌ها تبدیل نمی‌شود و رویکرد **بایدن** با ما یا علیه ما فرصتی را برای کشف ظرفیت‌های درخواست‌های **چین** برای حل و فصل جنگ از دست داد.

چین مطمئناً با نگرانی‌های **پوتین** در مورد ناتو همدردی می‌کند و نمی‌خواهد روسیه شکست بخورد که **چین** را در برابر بلوک قدرتمند ایالات متحده تنها می‌گذارد. اما از تسخیر سرزمینی روسیه که فصل‌های دردناکی را در تاریخ خود **چین** تداعی می‌کند و احتمال درگیری هسته‌ای را افزایش می‌دهد که پیامدهای منفی متعددی برای **پکن** خواهد داشت، خوشحال نیست. علاوه بر این، تسهیل یک توافق سازش می‌تواند برای وجهه چین در اروپا، بازاری که اهمیت آن برای **پکن** افزایش می‌یابد، به همراه تجارت با ایالات متحده به طور فزاینده‌ای در معرض تهدید قرار می‌گیرد.

ترامپ می‌تواند این دوگانگی را به سمت نقش مفید چینی هدایت کند. ایالات متحده نیازی ندارد و نباید به دنبال کمک **چین** در میانجیگری باشد. اما دعوت از فرستاده ویژه چین در اوکراین برای بازدید از ایالات متحده و گفتگو درباره راه حل - چیزی که **پکن** به دنبال آن بود اما **بایدن** از ارائه آن امتناع کرد - بر **پوتین** برای پیوستن به مذاکرات صلح

فشار می آورد. و **چین** می تواند نقش ارزشمندی در بازسازی پس از توافق اوکراین ایفا کند، که می تواند به عنوان یک بازدارنده قوی برای **پوتین** برای نقض شرایط توافق یا حمله مجدد به آن عمل کند.

مسیر صلح در اوکراین دشوار خواهد بود. روسیه عمیقاً به نیت آمریکا بی اعتماد است و تردید عمیقی دارد که ترامپ بتواند تشکیلات و اشنگتن را برای حمایت از هر گونه راه حل مورد مناقشه قرار دهد. اما با مهارت دیپلماتیک و کمی شانس، **ترامپ** می تواند به چیزی دست یابد که تا همین اواخر غیرممکن به نظر می رسید: یک اوکراین مستقل که به طور ایمن در اتحادیه اروپا گنجانده شود. اروپا قادر به بازدارندگی و مقابله با روسیه با منابع خود است. و روسیه و **چین** که کمتر در دشمنی با اشنگتن متحد هستند. این چشم انداز ارزش دنبال کردن را دارد، حتی اگر احتمال شکست قابل توجه باشد.

سطری چند در مورد نویسنده :

جورج بیبی بیش از دو دهه را در دولت به عنوان تحلیلگر اطلاعاتی، دیپلمات و مشاور سیاسی، از جمله مدیر تحلیل روسیه سیا و مشاور ستادی در امور روسیه معاون رئیس جمهور چنی، گذراند. او نویسنده «تله روسیه: چگونه جنگ سایه‌ای ما با روسیه می تواند به فاجعه هسته‌ای تبدیل شود» (2019) است

----- **با تقدیم احترامات «2025-01-13»**

